

## موقعیت زنان مسلمان

از نظر علامه شیخ شمس الدین ربیب شیعیان لبنان

\* موقعیت زن مسلمان را در جهان امروز چگونه می بینید؟

در حال حاضر موقعیت زن در اسلام بطور کامل ناشناخته است.

زن مسلمان در جهان اسلام از دو مشکل رنج می برد: در کشورهایی که اسلام اجرا می شود، آداب و رسوم بر زن حاکم است. این آداب و سنتها همیشه با شرع همسو نیستند و به مرد اختیاری بیش از آنچه در قوانین اسلام هست، می دهند. مسئله دوم اینکه زن مسلمان تحت تأثیر اندیشه و الگوی غربیها قرار گرفته است. در کشورهایی که اسلام را قبول دارند یعنی در کشورهای ایران، عربستان سعودی و افغانستان سه نوع الگو برای زن مسلمان وجود دارد.

در ایران زن مسلمان به موفقیت بزرگی نایل آمده است و امیدوارم موفقیت‌های بیشتری بدست آورد. ما معتقدیم که زمینه خودیابی برای زن در جامعه و دایره جامعه مدنی و سیاسی بطور گسترده وجود دارد.

و زن شایستگی کامل دارد که تمام مسئولیتها و وظایفی را که مرد انجام می دهد ایفا کند. اما در عربستان و افغانستان استنباط فقهی موجود در مورد زن از نظر ما نادرست است این استنباط فقهی نیاز به تجدید نظر و تحول دارد. بایستی در خصوص روشهای اجتهاد فقهی در شریعت اسلامی بحث و گفتگو و تحقیق شود. بایستی در مورد تمام مسائل از جمله حجاب، حقوق زناشویی، حاکمیت زن بر خویشان خارج از چارچوب زناشویی، حقوق زن در زمینه کار، در جامعه، شایستگی سیاسی زن تجدیدنظر فقهی صورت گیرد.

در این کشورها و حتی در شیعه امامیه، به طور مثال برخی مبانی کلی فقهی وجود دارد که مشابه مبانی فقهی و هابیان و طالبان است مانند مسئله پوشاندن صورت، اجازه نداشتن زن در خروج از منزل یا اطاعت مطلق از همسر یا عدم شایستگی زن برای انجام کارهای اجتماعی خارج از حقوق همسری.

حتی در نزد شیعه برخی نقطه نظرهای فقهی وجود دارد که از نظر ما نتیجه عاداتها و آداب و رسوم گذشته است نه مبتنی بر یک استنباط فقهی روشن و صحیح. از نظر من این حصار که زن مسلمان را در بر گرفته

بود در حال شکسته شدن است و دایره مشارکت زن در زندگی عمومی و اجتماع و حاکمیتش بر خویشتن در حال افزایش می‌باشد. این فرآیند نیازمند به یک فعالیت و اقدام عاقلانه و شجاعانه و بدون شتاب است تا زن مسلمان در جایگاه صحیحش قرار گیرد. من شخصا شعار آزادی زن را ترغیب نمی‌کنم چرا که زن مسلمان آزاد است و نیاز به آزاد شدن ندارد. این شعار نادرست از قرن نوزده در جهان غرب مطرح شد. و برخی از مبلغان زن و مرد مسلمان این شعار را در حق زن مطرح کردند در حالی که این شعار در جوامع اسلامی اشتباه و حاصل وابستگی فکری به روشهای غربی بود. ما شعار آزادی زن مسلمان را مطرح نمی‌کنیم. بلکه زن مسلمان نیاز به شعار اسلامی شدن دارد. یعنی بازگرداندن وضعیت زن مسلمان به اسلام. این شروع خوبی است. الان مشاهده می‌کنیم که زن مسلمان در ایران یا کشورهای اسلامی دیگر، در زندگی اجتماعی و جامعه و عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی فعالیت می‌کند. بسیاری از زنان در زمینه‌های اجتماعی، پزشکی، آموزشی، طرحهای اقتصادی تربیت کودک کار می‌کنند.

هم‌اکنون دیوار موجود در بین زن ایرانی و غیرایرانی در حال کوتاه شدن است. زنان در تمام عرصه‌ها شرکت دارند.

از دیدگاه فقهی ما، زن در یک حکومت دموکراتیک پارلمانی - به اصطلاح شما در ایران، شورایی - که مبتنی بر نهادها می‌باشد نه بر اراده فردی، شایستگی دارد که ریاست حکومت را به عهده بگیرد.

این شروع، شروع خوبی است. و البته بسیار تأکید می‌کنم که در این روند نباید شتاب به خرج داد. از سوی دیگر، باید توجه کنیم که زن از دیدگاه اسلام انسان است. انسان عبارت است از مرد و زن.

هو الذی خلقکم من نفس واحدة. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

هو الذی اخرج منها زوجها و بث منها رجلاً كثيراً و نساء. «بشر از یک زن و یک مرد تشکیل می‌شود. در این زمینه سه مقوله یا مفهوم وجود دارد. اول مقوله انسان. انسان نه مذکر است و نه مؤنث. انسان انسان است شامل زنها و مردان می‌شود. این انسان مذکر و مؤنث در همه جا از مجله، جامعه، دفتر، خیابان، مدرسه، مجلس شورا، دانشگاه انسان است. اما در خانه بعد جنسی انسان مطرح است که عبارت است از مذکر و مؤنث. فرهنگ غربی اتاق خواب را از خانه به خیابان منتقل کرده است. زن (در فرهنگ غربی) در عرصه‌های تحصیل، دانشگاه کار و حرفه به عنوان جنس مؤنث مطرح شده است. اینجا محل اشکال هست.

اسلام تأکید دارد که زن در جامعه، انسان و در خانه و فقط برای همسرش مؤنث باشد. مرد نیز در جامعه انسان است و در خانه فقط برای همسرش مذکر هست. در فرهنگ و تمدن غرب مرد برای تمام زنها مذکر و

زن برای تمامی مردها مؤنث است.

با این روش، فساد تولید می‌شود. ما می‌خواهیم که زن مسلمان در چنین دامی که با شیوه‌های مختلف گسترده می‌شود، نیفتد. از زمانی که غرب به جهان اسلام وارد شد، این مفهوم راجع به زن، هم حاکم شد.

الان مثلاً می‌بینیم که در جوامع اسلامی، لباس و پوشش، یک فرهنگ و اندیشه است. لباس سه کار - کرد دارد؛ کارکرد پوشاندن جسم، محفوظ داشتن از گرما و سرما و زیبا و شیک نشان دادن. اما لباس در نظر زن غربی عنوان پوشش و محافظت از خطرات جوی را ندارد بلکه ابزاری است در جهت نمایش بعد جنسی و این همان مرضی است که گریبانگیر زنان مسلمان نیز شده است. الان از جمله امور مهم برای زنان پیروی از مد و شکل و نوع لباس است. و این امر نشانگر بعد جنسی زن است نه بعد انسانی او. هم‌اکنون زن تبدیل به ابزار تبلیغاتی شده است. اگر شرکت سازنده صابون، اتومبیل و تلویزیون بخواهد برای کالاهای خود بازاریابی بکند در کنار کالای خود از تصویر زن عربان یا نیمه عربان برای تبلیغ کالا و فریفتن اذهان استفاده می‌کند. تا در اذهان بشر، مفهوم جنسی با این کالا پیوند بخورد.

مثال دیگر اینکه الان تجارتی در کشورهای اسلامی رایج است (نمی‌دانم در ایران تا چه حد این تجارت از ارزش برخوردار می‌باشد) به عنوان تجارت اجناس و لوازم آرایش زنانه مانند کرمها، عطرها، ادوکلنها و... چنین تجارتی اقتصاد مسلمانان را بدون هیچ فایده‌ای تخریب می‌کند. من منکر استفاده از وسایل آرایش برای خانمها نیستم، اما، نه به این حجم و گستردگی، چون زن مسلمان تنها برای همسرش و یا در محیطهای زنانه آرایش می‌کند. در حالی که زن معاصر و مدرن شاید حتی برای شوهرش زینت نکند، اما در خیابان و مجامع عمومی خود را برای دیگران زینت می‌کند.

به نظر من اکنون یکی از ضعفها و خطرها در جهان اسلام وضعیت زنان است. زنها اگرچه به موفقیت‌هایی نایل آمده باشند، همچنان به پیشرفتهای بیشتر در عرصه‌های تربیتی و اخلاقی نیاز دارند تا به مرحله‌ای برسند که شخصیت کامل خود را باز یافته بدون اینکه صرفاً به یک موجود مؤنث برای لذایذ جنسی تبدیل شوند بعد انسانی خود را تقویت کنند. الان وقتی گفته می‌شود «زنان مدرن امروزی»، در ذهن من واژه «کنیز» تداعی می‌شود. در گذشته کنیزان دونوع بودند: زیبا و نازیبا (زشت). کنیزان نازیبا را برای کار استفاده می‌کردند. اما به کنیزان زیبا، آواز خوانی، شعر، موسیقی می‌آموختند و از صدا و جسم زیبای آنها لذت و بهره می‌بردند. اکنون زن مدرن امروزی نیز تقریباً همین وضعیت را دارد. من فکر می‌کنم یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی ایران، مربوط به حق زنان است و من به صراحت خطاب به زنان ایران عرض می‌کنم که من نگرانم از اینکه مبادا شما زنان ایرانی مثل گذشته، خود را صرفاً مقلد زنان لندن، پاریس، نیویورک به

جهان معرفی کنید. زن مدرنی که من از تأثیر او نگران هستم مادام کوری نیست بلکه هنرپیشگان زن هستند. زن ایرانی چگونه می‌خواهد ایران را معرفی کند. ایران اکنون در بسیاری از زمینه‌ها از جمله زمینه زنان به عنوان نمونه و الگو مطرح است. زن مسلمان ایران پوشش شرعی و عفت اخلاقی خویش را حفظ می‌کند و در عین حال در تمام عرصه‌های زندگی مشارکت کامل دارد. این، چهره‌ای است که از ایران وجود دارد. زن ایرانی نه فقط در قبال زنان ایرانی بلکه نسبت به تمامی زنان جهان اسلام مسؤولیت اخلاقی و شرعی دارد. من از اینجا خطاب به تمامی زنان و مردان مرتبط با مسائل زنان در ایران عرض می‌کنم که بسیار مواظب باشند و نسبت به برخی زمزمه‌های آزادی زن و تغییر در وضعیت زنان هشیار باشند. این خطر است. من نسبت به زنی که کمی از موی سر و یا گردنش دیده می‌شود، تعصبی ندارم اما اگر این پدیده رنگ سیاسی و برنامه‌ریزی شده داشته باشد، خطر بسیار بزرگی بشمار می‌رود و باید با آن مقابله نمود.

\* نقش زن مسلمان لبنانی بخصوص زن شیعه در تحولات اجتماعی سیاسی این کشور چگونه است؟

زن مسلمان در لبنان نمایی از زن مسلمان جهان عرب است. در جامعه لبنان سه نوع الگوی زن وجود دارد. الگویی که بطور کامل تحت تأثیر الگوی غربی است. دوم الگوی میانه که مابین مفهوم اسلام و مفهوم غربی است و الگوی سوم همان الگوی سنتی است که فقط به خانه و فرزندان و خانواده اهتمام دارد. الگوی درخشان دیگری نیز وجود دارد. که همان زن مسلمان آگاه، روشنفکر و صاحب اندیشه و فکر، درخصوص جامعه می‌باشد که دارای مسئولیتهای اجتماعی است و در عرصه‌های فرهنگی مشارکت دارد البته نه در حد آنچه در ایران هست. این نوع اخیر در نتیجه آگاهیهای اسلامی در دهه‌های اخیر بخصوص پس از پیروزی جمهوری اسلامی ایران بطور گسترده تقویت شد.

پس از انقلاب اسلامی و مشارکت فعال زنان ایرانی در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و تربیتی، زن مسلمان لبنانی و نیز زن مسلمان جهان عرب و یا پاکستان از آنان الگو گرفتند.

علاوه بر این زنان لبنانی بالأخص زن مسلمان و از همه بیشتر زن شیعه با مسئله دیگری که مقاومت در مقابل اشغالگران می‌باشد روبرو هستند. مشارکت زن مسلمان لبنان و بخصوص شیعیان در امر مقاومت ضداسرائیلی، شرافتمندانه و بزرگ و مهم بوده است. این زن یا یک دختر بچه بوده و یا یک همسر، یا مادر و یا خواهر. زن با تمامی ویژگیهای خود رکن اساسی پایداری در لبنان محسوب می‌شود. این امر تنها مربوط به زنان متدین نمی‌شود بلکه زنان متوسط و حتی برخی زنان پیرو غرب، در امر مقاومت و پایداری مشارکت دارند و انصافاً باید گفت حتی بسیاری از زنان مسیحی نیز در این مورد نقش دارند اما بخش عمده این

مشارکت از زنان مسلمان است.

\* به نظر شما راههای مقابله با تأثیر فرهنگ غرب بر جوامع مسلمان کدام است؟

بدون تردید، تهاجم فرهنگی غرب در حال حاضر قویتر و گسترده‌تر از گذشته است. چون وسایل ارتباطی و اطلاعاتی و تبلیغی به صورت گسترده‌ای پیشرفت کرده. الان شبکه اینترنت قابل کنترل نیست. تمامی اطلاعات در تمام سطوح از طریق ماهواره‌ها با برنامه‌های فضائی رادیویی و تلویزیونی، از طریق کتاب و فیلم، سینما و ویدئو بی‌وقفه در حال ارائه است تهاجم فرهنگی غرب بسیار قوی است و مشکل این است که مصون داشتن فرد کاری دشوار شده است. در گذشته مقاومت از طریق تحریم پدیده‌های غلط عملی بود. مثلاً می‌گفتی خواندن کتابهای گمراه کننده حرام است، شنیدن ترانه و دیدن فیلم جایز نیست اما اکنون نظام تحریم ناکافی است چون توانائی کنترل و سیطره از این راه محدود است، لذا بایستی یک ساختار تربیتی جدید را پی‌ریزی کنیم تا به انسان مصونیت ببخشد و او را واکسینه کند. من تهاجم فکری را به تهاجم میکروبی تشبیه می‌کنم که مثلاً انسان در اتاقی ضد عفونی شده زندگی کند اما وقتی از در اتاق خارج شد به انواع بیماریها دچار می‌شود. الان نوع تهاجم بگونه‌ای است که قابل کنترل نمی‌باشد. لذا بایستی در انسان یک نوع مصونیت درونی ایجاد کنیم. به طوری که اگر در یک فضای آلوده هم قرار گرفت تحت تأثیر قرار نگیرد ما به اصلاح عمیق تربیتی مسلمانان نیازمندیم که از مادر، خانواده و کودکان شروع می‌شود. بایستی از همان دوران کودکی با تصاویر و بازیهای مختلف و سرود، تربیت را آغاز کنیم تا برسیم به دبستان، دبیرستان و آنگاه دانشگاه. در درون خانواده نیز بایستی تربیت اسلامی صحیح وجود داشته باشد.

تربیت اسلامی تاکنون مبتنی بر سیستم ممانعت و بر حذر داشتن از محرکات بوده یعنی گفته می‌شد این کار را نکن، اینطور نکن، اگر چنین کنی به جهنم می‌روی و غیره، این شیوه خوب و مفید است اما اکنون دیگر کارآمد نیست بایستی یک مصونیت درونی ایجاد کنیم. اگر ما انسان را بر ضد آبله و حصه واکسینه کنیم در آن صورت او در نزد هر انسان بیمار مبتلا به آبله هم بنشیند آسیب نمی‌پذیرد. و انسان سالمی خواهد بود. الان چنین سازندگی و اصلاح تربیتی در جوانهای مسلمان وجود ندارد. بزرگترین جریان اصلاحی تربیتی عصر حاضر و در 20 سال اخیر در ایران اتفاق افتاده است. اما من اکنون تردیدهایی قوی در مورد موفقیت این جریان دارم. من شواهدی دارم مبنی بر اینکه جریان تربیتی در ایران آنگونه که مورد انتظار بود موفق نبوده است. این جریان نیاز به اصلاحات بسیار عمیق دارد.

در تربیت، تنها نباید به سخنرانی برای کودکان اکتفا کرد. با آنان نمی‌توان با نظام موعظه و نصیحت رفتار کرد. موعظه، تربیت نیست. تربیت عبارتست از تجدید ساختار شخصیت انسانی، ما نیازمند اصلاح تربیتی و

مقابله با تهاجم فکری و نیز تجدید در اجتهاد در شریعت اسلام هستیم. یعنی اینکه نیاز به ترسیم اسلام از درون داریم تا مانند گلی باشد که دائماً در حال شکوفایی است. در زمینه تربیت نیاز به تجدید نظری بزرگ داریم که نه فقط مبتنی بر نظام تحریم ممانعت بلکه متکی بر ایجاد مفاهیم و ارزشها نزد کودک، جوان و انسان رشد یافته باشد. بطور مثال ما بجای اینکه انسان را در برابر سیگار و استعمال دخانیات واکسینه کنیم به او می‌گوییم که این برای تو حرام است در حالی که اتفاقاً برخی از محرّمات محبوب و لذیذ است و انسان دوست دارد آن را انجام دهد.

بایستی یک سیستم ارزشی برای نسل نو ایجاد کنیم.

ما نیازمند تطور و تحول اجتهاد فقهی در اسلام برای استنباط قالبها و ساختارهای جدید برای سازماندهی جامعه، خانواده و فرصتهای شغلی و نیز برخورد با تحولات موجود در جهان خارج هستیم.

جامعه اسلامی به معنی یک قلعه دربسته برای مسلمانان نیست بلکه این جامعه باز است و در عین حال از قدرت و مصونیت برخوردار می‌باشد.

\* در مورد لفظ رجال در قانون اساسی ما و رئیس جمهور شدن زنان نظرتان چیست و همینطور در مورد قضاوت زنان؟

مبنای فقهی رائج در خصوص حاکمیت سیاسی زن این است که زن شایستگی ولایت عامه یا ریاست حکومت را ندارد. برخی نظرات بر این باور است که زن بطور مطلق حق ولایت و حاکمیت سیاسی را حتی در زمینه عضویت در مجلس شورا هم ندارد. یا اینکه شایستگی عهده‌داری مسئولیتهای عمده مانند ریاست ادارات حکومتی یا سفارتخانه‌ها در کشورهای خارجی یا تصدی پست استانداری یا شهرداری را دارا نمی‌باشد.

از پیچیده‌ترین و با اشکالت‌ترین مسائل، موضوع ریاست حکومت یا ریاست جمهوری زنان است. در خصوص این مبنای فقهی مشهور که برخی ادعای اجماع در این مورد دارند که زن شایستگی چنین کاری را ندارد ما بررسیهایی کردیم و تمام مبانی فقهی و ادله فقها را در خصوص عدم صلاحیت زن مسلمان برای تصدی چنین مسئولیتی که برگرفته از کتاب و سنت و غیره بود مورد بررسی قرار دادیم. و من بر حسب استنباط غیرناقص (معمولاً می‌گویند فهم ناقص اما من می‌گویم براساس استنباط غیرناقص) هیچ دلیلی برای منع زنان از چنین مسئولیتهائی نیافتیم. ما این اندیشه را در یک کتاب فقهی آوردیم که به فارسی ترجمه شده

است.

در این کتاب موضوع را به روشنی تشریح کرده‌ایم البته جای بحث وجود دارد و من ادعا نمی‌کنم که این کتاب برترین است. من یک فقیه و مجتهد هستم و نظرم این است. اگر برادران مجتهد ما در ایران و سایر نقاط بخواهند در این مورد بحث کنند من آماده هستم. اما تاکنون هیچ انتقاد جدی به این نظریه نشنیده‌ام. به نظر من این مسئله از مسائل بسیار حساس است و نیاز به زمان دارد تا در معرض افکار و نظرات مختلف قرار گیرد و در حوزه‌ها و دانشگاهها مورد بررسی واقع شود. اندک اندک در مورد ریاست جمهوری زنان هم باور ایجاد خواهد شد و افکار عمومی این نظریه را خواهد پذیرفت. بیست سال پیش فکر نمی‌شد که زن بتواند عضو مجلس شورا باشد یا مسئولیت یکی از ادارات دولتی را برعهده بگیرد. اما الان این مسئله عادی شده است. یکی از نکات جالب در عربستان این بود که از مقامات عربستانی درخواست کردم که اجازه بدهند کتاب خودم را در مورد شایستگی زنان توزیع کنم. آنان گفته بودند ما به زنان اجازه رانندگی نمی‌دهیم شما می‌خواهید که آنان شاه فهد بشوند؟ این امور و مسائل نیازمند زمان است. مهم این است که این ایده مطرح بشود و در معرض برخورد افکار قرار گیرد. این نمونه خود نشانگر آن است که ما نیازمند تحول و تجدید اجتهاد در اسلام هستیم تا در خصوص مسائل مطروحه راه‌حلهای و نظرات جدید ابداع شود. البته در گذشته در زمان حاکمیت نظام خلافت، براساس مذهب اهل سنت، زن نمی‌توانست مسئولیت بپذیرد. در مذهب شیعه نیز که رئیس آن 12 امام معصوم هستند همین وضعیت بود. اما پس از غیبت امام معصوم وضعیت تغییر کرده است. برطبق مذهب اهل سنت و اشاعره نظام خلافت الان وجود ندارد. بنابراین عرصه برای تمام مردم باز است تا این مسئولیت (رهبری) را برعهده بگیرند. بلکه لازم است حکومت مبتنی بر شورا و اخذ نظرات مردم و برخوردار از نهادهای مختلف باشد، اما اگر حکومت حکومتی باشد دارای مجلس شورا و مجالس مشورتی و هیئتهای نظارت، مشابه آنچه در ایران یا لبنان و یا در یک حاکمیت دمکراتیک وجود دارد، در چنین حکومت دمکراتیک زن می‌تواند مسئولیت برعهده بگیرد. از جمله اینکه صاحب فتوا باشد اهل معرفت و خبره و مقید به ارزشها باشد و از خودمحوری پرهیزد. همچنانکه مرد هم نباید خود رأی باشد. این موضوع یک نمونه از اجتهاد جدید است. در خصوص موضوع قضاء برای زنان دو نظریه وجود دارد. من درباب اجتهاد و تقلید در خصوص زن، قایل به مذکر بودن مرجع تقلید نیستم. من می‌گویم زن مجتهد جامع الشرائط می‌تواند عهده‌دار منصب فتوا باشد. اما در خصوص قضاء من به نظریه معروف فقهی عمل می‌کنم و در این مورد نظر دیگری ندارم. اما می‌توان در مورد آن هم بحث کرد، امیدوارم خداوند ما را به حقیقت رهنمون شود.

\* ولی برخی از مراجع در ایران هم این مسئله را جایز دانسته‌اند.

چنانکه گفتم این مسائل نیاز به بحث و بررسی آرام دارد و شتاب در آن صحیح نیست به نظر من در مسائل مربوط به دادگاههای نوجوانان، اطفال و کانونهای خانواده زن می‌تواند مسئولیت قضائی را بپذیرد. اما مسئله به طور کلی مطلق نیست. از نظر ما زن در ایران امروز تصویر شرافتمندانه‌ای از اسلام به غرب ارائه داده است. الان نسبت زنان در پارلمان ایران زیاد است.

\* نظر شما در مورد گرایش‌های فمینیستی در زنان متجدد ایران و کشورهای اسلامی چیست؟

حرکت زن مدارانه در غرب در حد بسیار بالایی در کنفرانس پکن و قاهره نمود داشته است. اصولاً آنچه از انقلاب صنعتی تا به حال در مورد زن غربی پیش آمده، معلوم شده که سراب و دروغ بوده، زن غربی امروز یک اسیر بشمار می‌رود.

این زن تاکنون نیازمند تغییر قوانین بوده است تا در مسائل اقتصادی و انسانی در داخل کیان خانواده و خارج آن به حق خود نایل آید. از این رو ما به زن مسلمان می‌گوییم که در الگوگیری از زن غربی، تأمل بخرج بدهد چون همین فریادهای حق طلبانه و دادخواهانه زن غربی دلیل بر وجود نابرابری در حق و حقوق زن در غرب است. غرب زن را به یک عروسک و وسیله سرگرمی تبدیل کرده و حقوق انسانی حقیقی او را سلب کرده است.

البته ما از برخی نقاط و عناصر مثبت نهضت زنان حمایت می‌کنیم، مثلاً به نظر من سند منتشر شده در کنفرانس قاهره دارای نکاتی مثبت به نفع زنان و بخصوص زن مسلمان هم هست و با مبانی دین اسلام و قواعد شریعت سازگاری دارد. اما در جنبش زنان در غرب هم مسائلی وجود دارد که ما نمی‌توانیم با آنها موافق باشیم. این مسائل در مورد امور جنسی و سقط جنین است. در خصوص امور جنسی منظور آزادی جنسی پیش از ازدواج و همزمان با ازدواج است ما با این امر موافق نخواهیم بود. اولاً آزادی معاشرت جنسی خارج از کیان خانواده نزد ما قابل قبول نیست. ما از نظر اسلامی، امور جنسی را محدود به اصل زوجیت می‌دانیم و شرعاً نمی‌توان اجازه داد که در بیرون از کیان خانواده اعمال جنسی صورت گیرد. همچنین همجنس‌بازی، مورد تایید اسلام نیست.

مورد دوم که اسلام با آن مخالف است، مسئله سقط جنین می‌باشد ما در اسلام فقط در یک مرحله و محدوده خاص، این مسئله را می‌پذیریم و آن هنگامی است که سلامت مادر در خطر باشد. در حالی که برخی کشورهای غربی یا حرکت‌های فمینیستی سعی دارند سقط جنین را جزو حقوق زن بشمرند.

در خصوص تساوی مطلق زن و مرد باید گفت مساوات در اسلام وجود دارد. مساوات به معنی همگونی



نیست. الان موضوع ارث مطرح است و گفته می‌شود چرا مرد دو برابر زن بهره و سهم می‌برد. این مسئله (ارث) نباید جدای از حیطة قوانین اسلامی بررسی شود. زن وقتی ازدواج می‌کند از همسرش مهریه می‌گیرد قبل از آن هم برای پدر واجب النفقه حساب می‌شود. فرضاً اگر زنی میلیونها (تومان) پول داشته باشد و با یک مرد فقیر ازدواج کند آن مرد باید برود کار کند و خانواده را از نظر اقتصادی تامین کند اما زن چیزی نمی‌پردازد. ولی پسر بایستی به پدر و مادرش هم نفقه بدهد. پس باید توجه داشت در اسلام یکسری مسئولیتهای اقتصادی وجود دارد که متوجه مرد است و زن مسئولیتی و وظیفه‌ای در این مورد ندارد. اما شما ببینید اکنون زنان همان خانواده‌ها که نصف سهم مرد نصیب آنها شده بود ثروتمند شده‌اند اما مردانشان که سهم دو برابر برده بودند فقیرتر از آن زنان هستند. پس کلاً مردها از زنها فقیرترند، حتی اگر دو برابر ارث بگیرند، چون مسئولیتهایی مانند نفقه ازدواج، خرج و مخارج منزل و مهریه همسر و غیرذلک را برعهده دارند. اگر ما بخواهیم قانون برابری را در ارث جاری سازیم بایستی قوانین مربوط به مهریه و نفقه همسر و فرزندان را نیز تغییر دهیم که این امر مورد قبول نیست. اما در غرب می‌بینیم که شوهر زیر بار مهریه نمی‌رود و برعکس، حتی گفته می‌شود زن مبلغی به شوهر می‌دهد.

اگر قوانین اسلام را مرتبط با هم بررسی کردیم، در آن صورت مسائل را بهتر خواهیم فهمید. قانون مانند یک جسم زنده است ما نمی‌توانیم فقط انگشت انسان را به تنهایی و جدای از سایر اعضا مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. بایستی انگشت در دست قرار گیرد دست هم در بازو و بازو هم در جسم و آنگاه بررسی شود. باید کل یک دستگاه و قانون مورد بررسی قرار گیرد تا مورد فهم قرار گیرد.